

مشورت؛ صفت مؤمنان

حجت الاسلام والمسلمین محمدصادق کفیل
مدیر مرکز تخصصی تحقیقات سنجایی

مشورت در آموزه‌های قرآنی روایی ما جایگاهی والا دارد و در مواضع مختلف به آن توصیه و سفارش می‌شود. اهمیت این مسئله به قدری است که خدا حتی پیامبر^(ص) را به آن سفارش کرده است: «شَاوْهُمْ فِی الْأَمْرِ (آل عمران: ۱۵۹)».

نشانه عقل: امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرمایند: «مشورت عین هدایت است.» در توضیح این حدیث علوی باید گفت مشورت راه رسیدن به مقصود را به ما نشان می‌دهد. و نیز از امیر کلام^(ع) است که فرمودند: «هر کس به رأی خودش قناعت کند، خویش را به خطر انداخته است.» ایشان همچنین می‌فرمایند: «آن کسی که با دیگران مشورت کند در عقل و خرد آن‌ها شریک می‌شود؛ هر عاقلی لازم است که رأی عاقلان دیگر را به رأی خودش اضافه کند و علوم دانشمندان را به علم خویش بیفزاید.»

جالب آنکه آئمه^(ع) در مشورت کردن بین افراد از طبقات مختلف اجتماعی و اقتصادی تفاوت قائل نمی‌شوند و در نظرخواهی، اقشار مختلف را مخاطب قرار می‌دهند، چنان‌که امام رضا^(ع) در جمعی فرمودند: «پدرم امام کاظم^(ع) با برخی غلامان مشورت می‌کرد و وقتی از چرابی این کار از حضرت موسی بن جعفر^(ع) سؤال شد، در پاسخ فرمودند: اگر خدا بخواهد چه بسا راه حل مشکل را بر زبان او جاری سازد!»

پیامبر اکرم^(ص) مشورت را نشانه دوراندیشی و امیرالمؤمنین^(ع) آن را مهم‌ترین پشتیبان معرفی کرده‌اند. این‌ها هر یک پرده‌هایی را از اهمیت اصل مشورت کنار می‌زنند و ما را متوجه تأثیر این اصل بر زندگی‌هایمان می‌کنند.

صفت مؤمنان: فراتر از تأثیری که مشورت می‌تواند در خوب و بد زندگی‌های ما داشته باشد و در انتخاب راه درست کمکمان کند، به نصیر قرآن، مشورت از صفات مؤمنان است: «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْوَالُهُمْ سُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (شوری: ۳۸)». یعنی خدا در این آیه چهار ویژگی برای مؤمنان برمی‌شمارد که عبارت‌اند از: لیبیک به پروردگار، برپایی نماز، مشورت در کارها و انفاق از دارایی‌ها. این نشان می‌دهد انسان مؤمن اهل مشورت است و در امور به عقل فردی تکیه ندارد و سعی می‌کند از نظر دیگران هم بهترین بهره را داشته باشد.

مشورت به ما فرصت استفاده از اندیشه و تفکر دیگران را می‌دهد، چون راه درست و صواب به جز مشورت به دست نمی‌آید. فلسفه دیگر مشورت برخورداری از حمایت و تأیید دیگران و جلوگیری از کدورت است. چون وقتی نظر دیگران را جوابی می‌شویم، علاوه بر دانستن فکرشان حمایت و همدلی و تأییدشان را هم به دست می‌آوریم. رشد فکری، جلوگیری از استبداد رأی، گسترش فرهنگ مشاوره که ایجاد تفاهم را دینی دارد و کمک‌گرفتن از دیگران از دیگر دستاوردهای مشورت برای زندگی فردی و اجتماعی ماست.

راه رشد و هدایت: رشد و پیشرفت از آثار مشورت‌گرفتن است. چون باعث می‌شود راه‌های تجربه‌شده و رفته دیگران را بدون آزمون و خطا پیش بگیریم. از امام حسن مجتبی^(ع) است که فرمودند: «هر گروهی که مشورت کند، به راه رشد و هدایت رهنمون شده است.» کاهش ریسک و افزایش قدرت تصمیم‌گیری در موقعیت‌های مختلف هم فایده دیگری است که با مشورت به دست می‌آید. چون برخورداری از نظرات و دیدگاه‌های مختلف این فرصت را به انسان می‌دهد که راه‌های مختلف را بشناسد و بررسی و بهترین را انتخاب کند.

رهایی از استبداد رأی دیگر فایده مشورت است. این موضوع به ویژه در حوزه حاکمیتی اهمیت بیشتری می‌یابد. وقتی امام معصوم^(ع) با خاندان خودش مشورت می‌کند، چرامدیران و مسئولان در ادارات با کارمندان و زیردستان مشورت نکنند تا هم خودرأیی و استبداد بر فضا حاکم نشود و هم از افکار متنوع و متکثر برای پیشبرد کارها تجمیع و استفاده شود. جلوگیری از پشیمانی هم دیگر اثر مثبت مشورت است. چون باعث می‌شود بهترین راه طی‌و از انتخاب اشتباه جلوگیری شود.

بردار

و بخوان

حرکت

استاد در جمع دانشجویان نشسته بود و از انگیزه و لزوم حرکت برای تغییر صحبت می‌کرد: «پس شروع حرکت که ضرورت حرکت نیز از آن مایه می‌گیرد، از لحظه‌ای است که تو می‌فهمی از همه چیزهایی که با آن‌ها مانوس هستی، بزرگ‌تری، بزرگ‌تری، چون آن‌ها به تو ختم شده‌اند و تو میوه این درختی و هیچ‌وقت به ریشه و خاک و سنگ، برگشت نخواهی کرد.» نام کتابی که امروز درباره آن صحبت می‌کنیم، «حرکت» است. این کتاب، مجموعه سخنرانی‌های استاد علی صفایی حائری است که در میان جمعی از دانشجویان ایراد شده است. این کتاب سه بخش دارد: «ضرورت حرکت»، «جهت حرکت» و «نیازهای حرکت». از علی صفایی حائری آثار ارزشمندی همچون رشد، روش برداشت از قرآن و اخیات به یادگار مانده است. انتشارات لیلة القدر، کوشیده است با حفظ امانت و انسجام و ارتباط و با کمترین تصرف ممکن، کتاب حاضر را تحقیق و تنظیم و چاپ کند. در کتاب «حرکت»، علی صفایی حائری، خواننده با سه بحث کلی ضرورت، جهت و نیازهای حرکت انسان آشنایی شود. ضرورت حرکت و رشد آدمی، باتوجه به سه عامل قدر و ارزش، ترکیب خاص و نیازهای او، باتوجه به درک فاصله بین آنچه که هست و آنچه باید باشد، توضیح داده می‌شود. در بحث جهت حرکت، هدف چیزی بالاتر از عدالت و آزادی و رفاه و تکامل معرفی می‌شود که آرمان‌های کنونی انسان معاصرند؛ چرا که هدف برای چنین انسانی که حرکت برایش ضرورت دارد، رشد اوست. هدف نه‌تنها تکامل انسان و استعدادهای او بلکه جهت دادن به استعدادهای تکامل یافته اوست. در بحث نیازهای حرکت، پس از شناخت این نیازها، چه در رابطه با خود انسان و چه دیگران و چه در رابطه با محیط کار او، تحلیلی برای رفع این نیازها داده شده است. در رابطه با انسان، محتاج پیش فکری، قدرت روحی و طرح کلی هستیم و همین جاست که با طرح کلی مکتب و نظام‌های آن آشنا می‌شویم. در رابطه با دیگران محتاج تربیت و سازمان‌دهی، بهره‌ها و نیروها هستیم. برای این تربیت باید بهره‌ها را شناسایی کرد و برای این مهم باید از جایی مناسب شروع کرد. جایی که ام‌القری و مادر شهرها باشد تا بتوان بدون صرف وقت زیاد و بدون پراکنده شدن، آن‌ها را جمع‌آوری و تربیت کرد. کارهای بزرگ، بدون جایگاه مناسب، نتیجه‌ای نمی‌دهند. در رابطه با محیط کار هم با درگیری‌ها و اختلاف‌ها و تضادها همراه هستیم و برای رفع آن‌ها محتاج ترکیب و تبدیلی هستیم تا بتوانیم نه‌تنها اختلاف‌ها را مهار کنیم، بلکه از آن‌ها بهره‌مند شویم و از آن‌ها بهره‌برداري کنیم. مؤمن ساده نیست، کیس است و آگاه به زمان و می‌داند چطور از اختلافات و درگیری‌ها استفاده کند و چطور آن‌ها را به ترکیبی که آموخته است، تبدیل کند.

برشی از متن کتاب: داستان از خود انسان شروع می‌شد. گفتیم اگر بنا شد انسان باشیم و انسان را کلتیتی بدانیم که در او تاریخ، جامعه، وراثت، تربیت، غریزه و نیروهای درونی‌اش شکل گرفته و ترکیب مجموعه این جبرها، کلیت او را ساخته و در این کلیت و در این ترکیب به آزادی رسیده و تولید او از ترکیب خاص او منشأ گرفته است. اینجاست که انسان را خط اول می‌شناختیم و باید هرگونه دگرگونی را از او شروع می‌کردیم. اگر بنا شد که اول انسان انتخاب‌کننده باشد، انسانی که فرزند انتخاب خویش است. این انتخاب، سنجش می‌خواست و سنجش هم شناخت می‌خواست. این شناخت یا مبتنی بر تجربه بود یا بر پیشین عرفانی یا مبتنی بر درک بی‌واسطه انسان از خود. «عرفان» روش شناختی که از دل مایه می‌گرفت، روشی حساب‌شده نبود. دل، نه منبع شناختی که عامل حرکت انسان بود، یعنی وقتی شناخت و ادراک در انسان شکل می‌گرفت، احساس او به جریان می‌افتاد که دل منبع احساس آدمی است. «شناخت علمی» هم، شناخت با واسطه بود و ما به حادثه‌ها آن‌طور نگاه می‌کردیم که چهارچوب فلسفی خود را اتخاذ کرده باشیم.

بررسی کارکردهای اجتماعی نماز

فریضه‌ای عدالت طلب
و احیاگر حق

آمنه مستقیم! شاید خیلی‌های ما نماز را صرفاً عبادتی فردی بدانیم که از طریق آن با خدا سخن می‌گوییم و رهاورد آن را هم به زندگی شخصی خود منحصر کنیم اما موری بر این همه تأکید بر نماز و آثاری که قرآن و آئمه اطهار^(ع) به آن اشاره می‌کنند، ثابت می‌کند که نماز دارای چنان دستاوردهای عمیق اجتماعی است که اگر اصولی و درست اقامه شود، به‌تنهایی کار همه دستگاه‌های فرهنگی را انجام می‌دهد. در ادامه، رهاورد این فریضه در عرصه اجتماع را بررسی کرده‌ایم.

اصلاح ارتباط با خدا و خلق

انسان موجودی است ذاتاً اجتماعی. لذا درصدد تعامل و ارتباط با دیگران است و به طرق مختلف می‌کوشد این ارتباط را اصلاح و تقویت کند و عمق ببخشد. با توجه به آنکه در آموزه‌های دینی تصریح شده است هرکه ارتباطش با خدا را اصلاح کند، خدا ارتباط او را با مردم اصلاح می‌کند. نیاز است که آدمی به این اصلاح اقدام کند و چه راهی بهتر از نماز که خدا به عنوان شاهراه سخن گفتن و تعامل با خود، معرفی کرده و پیش پای ما گذاشته است؟

سد فحشا و منکر

برخلاف این تصور که نماز را صرفاً عبادتی فردی تلقی می‌کنند، این واجب الهی دارای برکات بسیار اجتماعی است. لذا پیامبر اکرم^(ص) در همان روزهای آغازین بعثت با حضور حضرت علی^(ع) و حضرت خدیجه^(ص)، نماز جماعت اقامه کردند. باید توجه کرد فریضه‌ای مثل نماز دارای یک کارکرد نیست، بلکه آثارش متعدد است، برای همین نماز در کنار رشد فردی و بازداشت انسان از فحشا و منکر، جامعه‌اسلامی را هم پویا و دربرابر همه‌جاها و آفت‌ها و آکسینه می‌کند.

حامی حقوق اجتماعی

از دیگر آثار اجتماعی نماز، تأمین عدالت و رعایت حقوق جامعه است؛ در اسلام مقدمات نماز مانند مکان، لباس نمازگزار، آب وضو و غسل و ایوباد از هر نظر بدون اشکال باشد. نمازگزار نمی‌تواند در لباسی که به‌زور از دیگری گرفته است یا در مکانی که به دیگری تعلق دارد، بدون رضایت صاحبان آن‌ها نماز بگذارد. فردی که حقوق دیگران را غصب و نیازهایش را از اموال دیگران تهیه کرده باشد، با آن اموال نمی‌تواند به نماز بایستد و هنگامی نماز چنین شخصی پذیرفته است که تمام اموال نامشروع را از مال خود خارج و با رعایت مویه‌موی شرایط، نماز را برپا کند.

روشنا

امام علی^(ع): طوبی لمن احسنَ اَلی العباد و تَزَوَّدَ لِلْمَعَادِ
(غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۵۹۵)

خانواده شاد، محبوب نزد خداوند

حمیده ذاکری برای بسیاری از افراد در دنیای پر از مشغله و گرفتاری امروزی داشتن یک همدوم و مونس نعمتی است که قدرش را خوب می‌دانند. دو نفر که با انس با یکدیگر روزهای سخت جوانی را برای یکدیگر روشن و گرم می‌سازند تا بتوانند پایه‌ای یکدیگر خانواده‌ای شاد بسازند. در قرآن کریم آمده است که: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» و از نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید. تا

فراوانی برای ما به همراه دارد. برای حفظ این نعمت نیز در باورهای دینی ما توصیه‌هایی وجود دارد، رفتار با همسر از مواردی است که نمی‌توان بدون آموزش و تربیت توقع داشت انسان به صرف دیدن و شنیدن آن را درست و مناسب انجام بدهد که همان‌طور که خوش‌زبانی و محبت‌کردن مهارت است توجه و رفتار اجتماعی و خانوادگی نیز یک مهارت است که باید برای آن وقت گذاشت و خود را مطابق توصیه‌های تخصصی و دینی موجود تربیت و تنظیم نمود.

برای هر دو جنس زن و مرد در توصیه‌های دینی مواردی ذکر شده است که با عمل به آنها می‌توان به رفتار بهتر و زندگی

ایجاد مکانیسم خودکنترلی

از مهم‌ترین آثار اجتماعی نماز کاهش جرائم و ایجاد مکانیسم کنترل است. خداوند متعال در آیه ۴۵ سوره مبارک عنکبوت می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ غَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»؛ یعنی نماز مانع از ابتلای انسان به فحشا و منکر می‌شود که این نه‌تنها برای فرد بلکه برای جامعه هم رهاورد بسیار دارد. علاوه بر این، سوره مبارک هود نیز به نقش بازدارندگی نماز از گناه اشاره می‌کند و می‌فرماید: «در دو طرف روز و اوایل شب، نماز را برپا دارید. به درستی که حسنات، سیئات و بدرفتاری‌ها را از بین می‌برد و این بندی است برای پندگیرندگان».

روزی اثر خواهد کرد

نماز برای آنکه سد گناه شود، نیازمند شروطی است. ممکن نیست کسی نماز بخواند و هیچ‌گونه تأثیری در او باقی نگذارد؛ هرچند نمازش صوری و حتی آلوده به گناه باشد. امام صادق^(ع) می‌فرمایند: «کسی که دوست دارد ببیند آیا نمازش مقبول درگاه الهی شده است یا نه، باید ببیند آیا این نماز او را از زشتی‌ها و منکرات بازداشته است یا نه.» و در حدیث است که پیامبر^(ص) درباره جوانی از انصار که نماز می‌خواند اما به گناه هم آلوده بود، فرمودند: «سرانجام روزی نمازش، او را از این اعمال زشت پاک می‌کند».

احکام

افزایش قیمت در معاملات اقساطی

پرسش: در فروش اینترنتی یا حضوری مرسوم است به صورت اقساطی اجناس را به فروش می‌رسانند. آیا افزایش دادن قیمت کالا به دلیل اقساطی بودن آن، حکم ربا را دارد؟

نسیه باید دقیقاً معلوم باشد، بنابراین: ۱. اگر مشتری قیمت جنس را نداند و آن را نسیه بخرد، معامله باطل است. ۲. اگر بگوید جنس را نقد بخرم و به فلان مبلغ و نسیه به فلان مبلغ می‌فروشم و تعیین نکند که نقد فروخته است یا نسیه، معامله باطل است. ۳. اگر بگوید این جنس را فلان مبلغ خریدم و نسیه به ازای هر ماه تأخیر در پرداخت فلان مبلغ اضافه می‌دهم، معامله باطل است.

آیت‌ا... مکارم شیرازی: هرگاه جنسی را به‌طور نقد یا قیمتی بخرند و به‌طور نسیه یا قیمتی بخرند، مثلاً بگویند: این جنس را نقد یا به فلان مقدار می‌دهم و به‌طور نسیه ۱۰ درصد گران‌تر حساب می‌کنم و مشتری قبول کند، مانعی ندارد و ربا حساب نمی‌شود.

آیت‌ا... فاضل لنکرانی: قیمت جنس در معامله

به این معنا که با توافق مشتری، می‌توان زمانی زودتر از زمان تعیین شده در قرارداد را برای تحویل معین کرد و مشتری ملزم به پرداخت مقدار کمتری باشد. **آیت‌ا... سیستانی:** اگر قبل از فروش، قیمت کالا ولو به‌صورت قسطی معین شود، اشکال ندارد.